

اخلاص قبل از عمل و بعد از عمل

ما هنوز در فراز اول این جمله امام سجاده (ع) هستیم که «فَأَمَّا حَقُّ اللَّهِ الْأَكْبَرُ عَلَيْكَ فَإِنَّكَ تَعْبُدُهُ لَا تُشْرِكُ بِهِ شَيْئًا». عرض کردیم مهم‌ترین شرط عبادت اخلاص است. اخلاص را معنا کردیم؛ حقیقت اخلاص و اهمیت آن را هم به نحو اجمال بیان کردیم. اما نکته‌ای که در این فرصت کوتاه می‌خواهم عرض کنم این است که اخلاص تارة قبل و حین عمل است و آخری بعد العمل. اخلاص بعد العمل اشد است از اخلاص قبل العمل و حین العمل. البته یک بحث‌های عمومی درباره اخلاص هست که ما وارد آنها نمی‌شویم؛ مثلاً اینکه آثار اخلاص چیست، که آثار زیادی برای اخلاص گفته‌اند، چه در دنیا و چه در آخرت. نشانه‌های اخلاص کدام است؛ عوامل ایجاد اخلاص چیست؛ آفت‌های اخلاص چیست. اگر بخواهیم درباره اخلاص بحث کنیم، تا دو سه سال می‌توانیم بحث‌های عمومی اخلاص را مطرح کنیم. نکته مهم همین مسأله اخلاص حین العمل و بعد العمل است.

۱. اخلاص قبل و حین عمل

اخلاص قبل العمل و حین العمل به حفظ نیت از شائبه‌های غیر خدایی است. اگر می‌خواهیم یک عمل خالصانه انجام دهیم، مهم‌ترین بخش آن نیت است. این نیت اگر تحلیل شود، خیلی اهمیت پیدا می‌کند و نقشی که نیت در خالص کردن عمل دارد، واقعا با هیچ چیزی قابل برابری نیست. خالص کردن نیت، مخصوصاً در برخی از مراتب، آنقدر مشکل است که چه بسا از عهده امثال ما خارج باشد.

نیت یعنی آن اراده‌ای که باعث و برانگیزاننده انسان به سوی عمل است. اینکه عوام الناس می‌گویند نیت کردی، فکر می‌کنند که مثلاً در آن لحظه یک چیزی در ذهن مان بگذرانیم. این ظاهر است؛ نیت یعنی آن اراده و قصدی که باعث تحریک انسان به سوی انجام عمل است. آن وقت به تعبیر بزرگان این در واقع به یک معنا به غایات اخیره برانگیزاننده انسان به سوی عمل برمی‌گردد. گاهی از اوقات در غایات ابتدایی عمل اغراض و اهداف انجام کار، چه در مراحل اولیه و چه در مراحل متوسطه، انسان می‌بیند که خودش مطرح نیست. اما آن غایات نهایی، آن لایه‌های زیرین نیت و اراده انسان، گاهی می‌بیند که برای خدا نیست و این خیلی مهم است؛ مخصوصاً در بعضی از رشته‌ها و کارها مثل کاری که ما داریم که تبلیغ دین و دعوت مردم به سوی حق تعالی و توحید است. اینکه در بسیاری از امور ممکن است برانگیزاننده ما به سوی عمل، خدا و پیغمبر (ص) باشد؛ مثلاً می‌گوییم ما برای خدا درس می‌گوییم، برای خدا سخنرانی می‌کنیم، برای خدا تبلیغ می‌کنیم و امامت جماعت می‌کنیم. این خیلی توجیه خوبی است؛ ولی واقعا در پس این ظاهر، آیا غایات متوسطه و اخیره، باز هم خداست؟ باز هم دین است؟ یا اینکه چیز دیگری است؟ اینجا جایی است که قدم‌های بسیاری می‌لغزد. اصلاً علت اینکه این همه بر نیت تأکید شده، برای همین است که این در حقیقت یک گلوگاهی است که انسان را یا وارد وادی توحید می‌کند یا وارد وادی شرک. اینکه گفته «النّية افضل من العمل»، نیت از خود عمل مهم‌تر است، این معنایش چیست؟ اینکه در برخی روایات این ذکر شده که نیت افضل از عمل است، به چه معناست؟ ظاهرش این است که برتر از عمل است، اینکه اعمال انسان با نیاتش رنگ و بو پیدا می‌کند و شکل می‌گیرد. اما برخی از این گفته‌اند؛ گفته‌اند إن النّية هي العمل، نیت خود عمل است. در برخی از شروح

این روایت، برخی از شارحین این احتمال را داده‌اند و این به تعبیر بعضی از بزرگان مبالغه نیست. در واقع اصل کار و عمل با این نیت محقق می‌شود.

برای اینکه این مسأله روشن شود، یک مثال ساده از یک رفتار بیان می‌کنم. امیرالمؤمنین (ع) در آن داستانی که سه روز روزه گرفتند و طعام خودشان را به مساکین، ابن السبیل و ایتم دادند، آن آیه در شأن آنها نازل شد که هیچ کسی با امیرالمؤمنین (ع) در آن مقامی که با این رفتار برای او حاصل شد برابری نمی‌کند. اما همین کار را ممکن است خیلی‌ها در طول تاریخ انجام داده باشند؛ اما هیچ‌گاه این اثر بر فعل آنها بار نمی‌شود. تنها تفاوت بین این عمل که در ملکوت اعلی بالاتر از آن متصور نیست، و بین کارهایی که با همین صورت عده‌ای دیگر انجام می‌دهند، در نیت است. نیت فارق ارزش اعمال و ممیز بین اعمال در درجات بالا و درجات پایین است. مهم این است که امیرالمؤمنین آن کار را خالصانه لوجه الله انجام داد. نه توقع مُزد در دنیا داشت، نه توقع اجر در آخرت داشت؛ او چون این عمل را نزد خدا محبوب می‌دید، به خاطر محبوب این کار را انجام داد، لذا آن ارزش را پیدا کرد.

از یکی از عرفا پرسیدند چطور شد که به این مقامات رسیدی؟ گفت یک شب زمستانی برای نماز به مسجد رفته بودم و چیزی هم نداشتم، یک تکه نان بود که این قوت من بود و می‌خواستم آن را بخورم. دیدم در آن سرمای سخت یک سگ گرسنه‌ای به انتظار طعام است من این نان را به این سگ دادم و برای خدا این کار را کردم. این مقامات از پی گذشت از خویشتن برای من حاصل شد. حالا به راست و دروغ این داستان کاری نداریم، مهم این حقیقتی است که در دل این داستان نهفته است. شخصی این داستان را شنیده و خیال کرده بود که هر کسی یک شب زمستانی به مسجد برود و به سگ نان بدهد به این مقامات می‌رسد. هر روز به مسجد می‌رفت و به جای یک سگ، به صد سگ نان داد ولی به جایی نرسید. ببینید فرق این دو عمل در نیت است. اینکه به چه نیتی او این کار را کرد. اگر این ده‌ها بار هم این کار را بکند، نه تنها اثری برای او ندارد بلکه بیشتر باعث سقوط می‌شود.

انسان خودش بهترین کسی است که می‌تواند بفهمد که آیا نیت و قصد او تا چه درجه از خلوص و پاکی برخوردار است؛ چه مقدار آلودگی دارد؛ مخصوصاً ما باید به غایات متوسطه و اخیره اعمال و رفتارمان توجه کنیم. خیلی از اوقات کارهای ما برای خداست اما ته آن می‌بینیم خودمان مطرح هستیم و این کار ساده‌ای نیست. اینکه می‌گویند نية المؤمن خیر من عمله، النية افضل من العمل، کل يعمل علی شاکلته، اینها همه به همین حقیقت اشاره دارد. هر کسی به شاکله خودش عمل می‌کند یعنی چه؟ یعنی آن نیت و قصدی که از انجام کار دارد، بسیار مهم است. لذا مرحله اول، اخلاص قبل العمل و حین العمل است و این با پاک کردن قصد و نیت از غیر خدا محقق می‌شود. تا می‌توانیم باید درباره اغراض و غایات کارهایمان ببینیم؛ قبل از اینکه وارد کار شویم باید ببینیم این کاری که می‌خواهیم انجام دهیم، چقدر در آن خلوص هست. بعد العمل هم خلوص مهم است. این اشاره اجمالی که داشتیم برای خلوص قبل و حین العمل بود؛ اما بعد العمل هم این مسأله بسیار مهم است؛ خلوص بعد العمل سخت‌تر است از خلوص حین العمل.

«والحمد لله رب العالمین»